



معرفت اشراقی در حکمت سهروردی / آشنایی با نظام فکری شیخ اشراق

سهروردی، فلسفه خود را با معرفت نوری نفس، آغاز می‌کند و سامانه فلسفی خود را در همه مسائل با آن مفهوم از «نور» که از خودشناسی سلوکی خویش اخذ کرده، راه‌اندازی و تبیین می‌نماید.

سهروردی، فلسفه خود را با معرفت نوری نفس، آغاز می‌کند و سامانه فلسفی خود را در همه مسائل با آن مفهوم از «نور» که از خودشناسی سلوکی خویش اخذ کرده، راه‌اندازی و تبیین می‌نماید.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه — مهدی دهقانی*: امروز، چهارم رجب، مقارن با هشتصد و پنجاهمین سالگرد (به تاریخ قمری) شهادت شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق است. اندیشه‌های سهروردی در تاریخ فلسفه اسلامی، نقطه عطفی به شمار می‌آید که موجب تأثیر و تحول فکری بعضی از متفکران بزرگ پس از خود شده است. سهروردی، فلسفه خود را با معرفت نوری نفس، آغاز می‌کند و سامانه فلسفی خود را در همه مسائل (خداشناسی، جهان‌شناسی، معرفت‌شناسی و...)، با آن مفهوم از «نور» که از خودشناسی سلوکی خویش اخذ کرده، راه‌اندازی و تبیین می‌نماید. لذا بهتر است از این منظر، یعنی معرفت اشراقی نفس، با نظام فکری او آشنا شویم.

اما از آنجا که سهروردی، بحث منسجم و منظمی از نظام معرفت‌شناسی خود ارائه نداده و شیوه نوشتاری و سبک و تحلیل او، تشتت و ابهام دارد، بر آن شدیم تا با تنظیم و تبیین ضمنی از نکات و مسائل مهمی که در این باب، به‌طور پراکنده در آثار خود پرداخته، طرحی کوتاه و گویا از تفکر او در زمینه معرفت‌شناسی، بیان کنیم. بدیهی است، فهم بهتر نوشتار پیش رو، آشنایی کلی با مبانی فلسفه اشراق را می‌طلبد.

سهروردی در کتاب تلویحات خود، حکایت منامیه‌ای را نقل می‌کند. او می‌گوید: زمانی برای حل مسئله علم و چگونگی معرفت انسان، سخت سرگردان و درگیر تأمل و ریاضت بودم که شبی در رؤیایی خلسه آمیز، ارسطو را به خواب دیدم و در آن حالت از دشواری‌های این مسئله به او شکایت کردم. تنها راه‌حلی که ارسطو در این خلسه عرفانی، به من آموخت این بود که «قبل از آنکه درباره کسی بیندیشی، درباره خودت بیندیش که همان خود تو مسئله‌ات را حل خواهد کرد.» (۱)

این نصیحت ارسطو به سهروردی، همان چیزی است که سهروردی با مقدمات و مبانی خاص، سعی در اثبات آن دارد که تشریح تک‌تک هریک از این مقدمات در این بحث نمی‌گنجد، به صورت اشاره وار، تنظیم و بیان می‌کنیم:

۱- نور، امری بسیط بوده و خود ذاتاً ظاهر است. لذا حقیقتش عین ظهور است. پس از آشکارترین پدیده‌ها، بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است و خود، موجب ظهور غیر خود نیز می‌گردد و هر چیزی با توجه به آن شناخته می‌شود.

«نور ظاهر لذاته و مظهر لغیره»

همه انوار در حقیقت نوری با هم سهیم‌اند و تفاوت آن‌ها در کمال و نقص و شدت و ضعف است. این ضعف تا جایی است که این ضعف نور، دیگر به خود قائم نیست بلکه عرض و هیئتی در دیگری است.

۲- معارف انسانی دو قسم‌اند: آگاهی‌های فطری و بدیهی که پایه اصلی شناخت ما در تعریف و ادراک حسی می‌باشند و مقدم‌ترین و بدیهی‌ترین معلومات.

آگاهی‌های غیرفطری همان‌هاست که برای کسب آن‌ها، صرف توجه و تصور کفایت نمی‌کند و برای دستیابی آن‌ها باید از معلومات خود با نظم و ویژه‌ای کمک گرفت. که این معلومات، سرانجام به گزاره‌های فطری می‌رسند. پس مفاهیم فطری، همان نورند. البته منظور سهروردی از مفاهیم بدیهی و فطری، تنها محسوسات بسیط است که از نظر او پیداتر از آن‌ها نداریم و باید آن‌ها را پایه فرض کنیم و همه تعریف‌ها را بدان بازگردانیم. (۳)

۱- وجود اشیا از عوارض و اوصاف خود متمایزند و هرگاه بدون لوازم و عوارض و لواحق مادی خود به صورت محض و خالص لحاظ شوند، فقط حضور دارند. از آنجاکه وجود نسبت به عدم، مانند نسبت ظهور به خفاست و نور به ظلمت است، لذا موجودات از جهت خروجشان از عدم به صحنه وجود، مانند اشیایی‌اند که از خفا به ظهور و از ظلمت به سوی نور خارج شده‌اند. پس کل وجود به این اعتبار، نورست.

۲- موجودات وقتی در حضور مطلق نور قرار گیرند، شناخته می‌شوند.

سهروردی ادراک حسی و خیالی و عقلی را همه با ماهیت اشراقی تفسیر می‌کند. در ادراک حسی از نظریه خاص خود در باب چگونگی ابصار و در ادراک خیالی از نظریه خود در باب عالم خیال و در ادراک عقلی، از طریق عقل فعال تبیین می‌نماید.

۱- مادیات، عین ظلمت‌اند. چون از نوری برخوردار نیستند. لذا نه تنها برای خود حضور ندارند، بلکه مانع ظهور و حضور ذات هم می‌شوند.

۲- نفس ناطقه انسانی به دلیل وجهه الهی داشتن، متعلق به عالم مجردات است و از اوصاف و امیال و لذات مادی و جسمانی جداست و در شکل خالص خود، هویتی است ادراکی، نوری و بسیط که فقط حضور دارد و همواره برای خود ظاهر است.

۳- علم و ادراک و تعقل، چیزی جز حضور معلوم نزد عالم نیست. پس حیثیت علم، عین ظهور و حضور است. لذا علم و ادراک نورند. مراتب علم، دارد از ادراک حسی تا علوم عقلی و شهود باطنی، همه مراتب ضعف و شدت نورند.

۴- به حکم قاعده «حکم الامثال فیما یجوز و فیمالایجوز واحد» چیزی که مشمول حکمی باشد، مورد دیگری که اشتراک در حقیقت هم دارند، نیز مشمول آن حکم خواهد بود. پس چون خصیصه ظهور و حضور در نور، نفس و ادراک وجود دارد، همه در ارز یکدیگرند.

۵- ذات شیء، همان ماهیت شیء است. لذا شناخت حقیقی، پی بردن به ذات شیء است.

۶- برای ادراک ذات و کنه اشیا باید آن‌ها را بالمجموع به‌عنوان یک کل واحد (با لحاظ تمام صفات ذاتی و غیرذاتی) آن چنانکه هستند دید. زیرا مقومات شیء به‌طور عینی و ذهنی، جدای از شیء نیستند. پس نباید آن را تجزیه عقلی (جنس و فصل) نمود و میان ذات شیء و صفات آن تفکیک کرد، به این امید که بتوان از طریق کثرت، وحدت را ادراک نمود. بلکه باید شیء را بالمجموع چنانکه حاکی از وحدت ذات بنماید، دید. وحدت شیء جز از طریق خودش استنتاج نمی‌شود و فقط در این صورت است که شناخت شیء، حقیقی و یقینی خواهد بود. باید توجه داشت که بنا بر منطق اشراقی، سهروردی به تعریف مفهومی قائل است.

البته این نظر او برخاسته از نظریه خاص او در باب تعریف است. سهروردی با نقد تعریف مشایی، قائل است چون شناخت ذاتیات شیء مشکل می‌باشد، لذا تعریف باید بر اساس مجموعه‌ای از عوارض و لوازم محسوس اختصاصی پدیده‌ها باشد. هرچند بعضی اعم باشند. به عبارتی تمامی آنچه صلاحیت معرفت بودن را دارند، باید یکجا بر شیء مورد تعریف جمع باشند و آن را از دیگر مشترکات آن جدا سازند. (۱۰)

۱- ادراک ذات و ماهیت، از طریق حواس حاصل نمی‌شود، چون حواس فقط ظاهر شیء را می‌شناسد. از طرفی حقایق را نمی‌توان با زبان و اطلاعات عرفی تبیین نمود.

۲- ذوات اشیاء در مثل آن‌ها در قلمرو عقول کلیه فلکیه نهفته است. برای ادراک ذوات، باید با آن جهان انوار اسپهبدیه (مثال) که عالم به جمیع اشیاء‌اند، ارتباط برقرار نمود.

۳- این ارتباط از طریق اشراق انوار بر ذات نفس انسانی (فاعل شناسا)، صورت می‌گیرد.

۴- هرکس از ذات خود غفلت نکند، ذاتش برای او ظهور خواهد داشت.

۵- پس انسان با آگاهی از نفس خود (فاعل شناسا)، به‌عنوان نزدیک‌ترین شیء به خود که اشراقات عالم نورالانوار که ذات جمیع اشیاء در آن وجود دارد، به آن افاضه می‌شود و با اشراق و پرتوافکنی‌اش بر اشیاء، ذات اشیاء را درک می‌کند. لذا معرفت نفس، کانون هرگونه شناخت به شمار می‌آید.

سهروردی با حضوری خواندن علم به خود، نتایج معرفت‌شناسی از آن می‌گیرد. چه آنکه از جمله ویژگی‌های علم حضوری این است که چون علم حضوری بی‌واسطه هیچ صورتی است و ذات معلوم برای مُدرک ظهور دارد، لذا مسئله مطابقت و عدم مطابقت، صدق و کذب در آن مطرح نمی‌شود و احتمال خطا در آن وجود ندارد. چون صورت و مفهومی در کار نیست که از واقع

حکایت کند تا نوبت به مطابقت و عدم مطابقت برسد. از این رهگذر، علم حضوری، شامل قواعد منطق نمی‌شود. زیرا این احکام برای مصنوعیت از خطا وضع شده‌اند و همچنین این علم، مشمول قواعد تجرید، انتزاع، تقسیم به اعتباری و حقیقی، تصور و تصدیق، کلی و جزئی و... نمی‌شود. زیرا این‌ها همه از احکام علم حصولی است، آنجا که بین عالم و معلوم، واسطه‌ای لحاظ می‌شود و نوعی غیریت میان آن‌ها برقرار است.

از نظر سهروردی، علم نفس به خود، قوایش، شئونش، افعالش، احساساتش و همه حقایق مجرد، به نحو علم حضوری است (۱۶) و دیگر مجردات نیز به خاطر برخورداری از حیات تجردی به نحو حضوری به خود عالم‌اند و به اشیای دیگر از طریق اشراق علم دارند. علم باری تعالی به خود و اشیا دیگر از همین سنخ است.

لذا اصل اساسی در معرفت‌شناسی سهروردی که او به شکل جدیدی تبیین نمود، علم حضوری به خود است که ادراکات و بدیهیات حسی نیز وابسته به این معرفت‌اند. بدون خودآگاهی، هیچ علمی نمی‌توان داشت. (۱۷)

به نظر سهروردی، شناخت خود هم در سطح نظری صورت می‌گیرد و هم در سطح عملی محقق می‌شود.

قوه عقلانی از سویی در حد قوه استدلالی است و از سویی قوه ادراک بی‌واسطه همه حقایق آفاقی و انفسی، و لذا معرفت‌شناسی مبتنی بر استدلال و مشاهده اشراقی است. استدلال عقلی، امری اقناعی و مشاهده عقلی، امری قاطع و یقینی. عقل شهودی در تضاد با عقل استدلالی نیست، بلکه این دو مکمل هم‌اند. یکی بدون دیگری ناقص است. (۱۸) هرچند عقل شهودی، اصل است و عقل استدلالی فرع.

بنابراین، شناخت دو طریق دارد:

۱- راه طبیعی که طی آن محسوسات، موضوع ادراک قرار می‌گیرند و عقل به مساعدت عقل فعال، صور معقوله را تجرید می‌کند.

۲- طریق عالی که در آن، عقل، موضوعات خود را پس از تجرد نفس از بدن، مشاهده می‌کند. از این‌رو ادراک در این طریقه ملازمه با تجرد است.

حال که برای شناخت حقیقت اشياء باید به قلمرو مثل آن‌ها در عالم روحانی متصل شد، راه شناخت این امور روحانی و قابلیت درک اشراق، این است که نفس "من" که منبع تمام امیال والا در حجاب تعلقات مادی که عین ظلمت‌اند، بکوشد تا با تهذیب و مجاهدت و ریاضت، دیده دلش باز شود و نور معرفت به او اشراق گردد و به شناخت شهودی حقایق نوری نائل آید، چه آنکه عالم مادی، ظلمت است و معرفت حقیقی که نورست در آن یافت نمی‌شود و مانع حضور ذات است. نفس، باید نوری شود که قابل درک انوار الهی گردد. (۲۰)

سهروردی راه دانش حقیقی را در ۱۵ نور با ویژگی‌های خاص آن، تشریح می‌کند که این انوار شهودی از عالم عقل، فیضان می‌شوند و اکسیر علم و قدرت و حیات‌اند. شرط لازم برای چنین تجربه‌ای، تجرید از کالبد‌های جسمانی است.

او برای ریاضت و تهذیب نفس، دستوراتی دارد. از جمله: گرسنگی و روزه‌داری. زیرا هر آفتی از سیری و پرخوری است. کم‌خوابی و بیداری شب. عبادت پیوسته و ذکر نام‌های خدا که از ذکر زبانی آغاز می‌شود تا بدان جا که جان به ذکر آید. بریدن از جاذبه‌های دنیوی. پیروی از پیر و مرشدی که طی طریقت نموده باشد و راهنمایی و تلقین ورد کند و بر اعمال او نظارت و مراتب باشد. تضرع و دعا و اتصاف به فضایل و خصائل نیکوی اخلاقی همچون صدق، تواضع، شفقت و اخلاص و... (۲۱)

با رعایت این امور، درهای ملکوت گشوده می‌شود و حقایق مشاهده می‌گردد. البته عرفان سهروردی، صبغه قرآنی و وحیانی دارد. سعادت، معرفت و فضیلت انسان در گرو سیر و سلوک معنوی و ستایش و پرستش خدا و تطهیر دل از آلودگی‌هاست.

از این راه است که بارقه‌های الهی بر او اشراق می‌شود و درجات قرب الهی را طی می‌کند و به معرفت حقیقی و یقینی نائل می‌گردد. (۲۲)

پایان‌بخش این مقال، یادآوری دو نکته از آموزه‌های سهروردی و فرازی از وصیت او است:

۱- میزان و ملاک انتخاب و تصمیم، برهان است و بس. از کسی تقلید مکن! من باشم یا دیگران.

۲- تا جهان بوده و باشد، نور حکمت، با دنیادوستی در یک جا نمی‌گنجد.

پروردگارا ای خدا و آفریدگار همه‌چیز، با ما چنان رفتار کن که شایسته توست و لحظه‌ای ما را به خود و دیگران وامگذار. خدایا خیر دنیا و آخرت را بر ما فرو ریز و شر دنیا و آخرت را از ما بازگردان. کاستی‌های ما را بپوشان، آگاهمان گردان، یاری‌مان ده، پاکیزه‌مان کن. به کمالمان برسان، ما را بیاموز و با دیدار خودت، خوشبختمان گردان، ای بهترین مایه امیدواری و ای مهربان‌ترین مهربانان (۲۴)

پی‌نوشت‌ها:

(۱)- م. م. سهروردی. ج ۱. ص ۷۰

(۲)- م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۱۰۶ و ص ۱۱۳ و ص ۱۶۷

(۳)- سهروردی و مکتب اشراق. ص ۵۰ تا ۵۴

حکمت اشراق سهروردی. ص ۶۳ و ص ۶۴ و ص ۹۲ و ص ۹۳

(۴)- حکمت اشراق. ج ۲. ص ۴۸ (شرح قطب‌الدین شیرازی. ص ۲۸۳ و ص ۲۸۴)

(۵)- م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۱۱۷

(۶)- م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۱۰۷ تا ص ۱۱۰

(۷)- م. م. سهروردی. ج ۱. ص ۷۲

(۸)- البته با این نظر او نمی‌توان وی را قائل به اصالت ماهیت دانست. زیرا سهروردی، نظام فلسفی خود را در روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و جهان‌شناسی، با نور و اشراق تبیین می‌کند و اختلاف مراتب وجودی و ادراکی را در شدت و ضعف نوری می‌داند. لذا بهتر است او را قائل به اصالت نور دانست. (نور در حکمت سهروردی. ص ۵۹ و ۶۰)

(۹)- حکمت اشراق. ص ۳۷۳

(۱۰)- حکمت اشراق سهروردی. ص ۶۶ و ص ۶۷

(۱۱)- حکمت اشراق. ص ۳۸

(۱۲)- (البته باید توجه داشت که عالم مثال یا مُثُل معلقه سهروردی غیر از مُثُل افلاطونی است. مُثُل افلاطونی، وجودهای نوری ثابت هستند، اما مُثُل سهروردی معلق‌اند و حال در جواهر نیستند و در این عالم، مظاهری ورای ماده و زمان و مکان دارند و موطن صور حقیقی و منشأ عالم ماده‌اند) م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۱۶۰ و ص ۲۱۱ تا ص ۲۱۳ و ص ۲۳۰ و ص ۲۳۱

(۱۳)- البته باید توجه داشت که فرآیند اشراق انوار، به نحو اضافه اشراقی است نه به صورت اتصال و انفصال. یعنی بی‌آنکه چیزی از منبع اصلی کاسته یا جدا شود، نور فیضان می‌شود. م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۱۳۷ و ص ۱۳۸

(۱۴)- م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۱۱۰

(۱۵)- البته اتحاد نفس با عالم انوار، از سنخ اتحاد عقلی است نه اتحاد با صیورت. م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۲۲۸

(۱۶)- م. م. سهروردی. ج ۲. ص ۲۱۳ و ص ۲۱۴

(۱۷)- سهروردی برای علم حضوری به خود، بیش از چهار دلیل می‌آورد. م. م. سهروردی ج ۱ ص ۴۸۵-۴۸۴ و م. م. سهروردی. ج ۲ ص ۱۱۱

(۱۸)- م. م. سهروردی. ج ۱. ص ۳۶۱

(۱۹)- درس گفتار استاد طاهره کمالی‌زاده. درآمدی بر نظریه‌های معرفت‌شناسی در اندیشه اسلامی. ص ۵۸

(۲۰)- عرفان در حکمت اشراق، ص ۱۰۷ تا ۱۱۱

(۲۱)- همان، ص ۱۱۵ و ص ۱۲۸ تا ص ۱۳۰

(۲۲)- علم حضوری. ص ۵۸ و ۵۹

(۲۳)- حکمت اشراق سهروردی. ص ۲۰

(۲۴)- همان. ص ۲۲۷. فرازی از دعای سهروردی

منابع:

۱- حکمت اشراق، ج ۲، سید یدالله یزدان‌پناه، تحقیق و نگارش مهدی علی‌پور، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۸۹

۲- حکمت اشراق سهروردی، یحیی یثربی، نشر بوستان کتاب، چ ۸۵

۳- درآمدی بر نظریه‌های معرفت‌شناسی در اندیشه اسلامی، مرتضی خاکیان، نشر طه، چ ۸۷

۴- درس گفتارهای فلسفه اشراق استاد طاهره کمالی‌زاده، از گروه فلسفه دانشگاه زنجان

۵- سهروردی و مکتب اشراق، مهدی امین رضوی، نشر مرکز، چ ۷۷

۶- عرفان در حکمت اشراق، حسن سعیدی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، چ ۸۰

۷- معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی، حسین ضیایی، نشر تهران، چ ۸۴

۸- مجموعه مصنفات شیخ شهاب‌الدین سهروردی، ج ۱ و ۲، تحقیق هانری کربن، نشر انجمن حکمت و فلسفه ایران، چ ۹۶ ق

۹- نور در حکمت سهروردی، سیما نوربخش، نشر شهید سعید محبی، چ ۸۳

*دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه